بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه23- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت علم اجمالی تاریخ: دوشنبه 20/9/96

**بحث دیگری که در علم اجمالی در مباحث قطع مطرح شده است مطلبی است تحت عنوان امتثال اجمالی.**

**اول معنای امتثال اجمالی روشن بشود. ممکن است توهم کند کسی که امتثال اجمالی یعنی جایی که فی الجمله امتثال کرده ام. نمی دانم امتثال حقیقی صورت گرفته یانه. مثلا اگر دو چیز مطرح بود که یکی از آن دو بر من واجب بود نمی دانستم کدام است یکی را اجمالا بجا بیاورم این بشود معنای امتثال اجمالی. این قطعا غلط است. اتفاقا معنای امتثال اجمالی این است که احتیاط کنم تمام شقوق و صور را انجام بدهم ولی نمی دانم تفصیلا که کدام مأمور به بود تا معلوم شود کدام عمل امتثال واقعی است. نمی دانم قبله کدام طرف است. به چهار طرف نماز می خوانم. به این می گویند امتثال اجمالی. آنجا که من باب احتیاط امتثالی صورت بگیرد نام آن امتثال امتثال اجمالی است.**

**حالا سؤال این است که آیا امتثال اجمالی، مانند امتثال تفصیلی هست یا نه؟ بهترین دسته بندی که مشاهده کردیم در اصل صور قضیه بیان مرحوم آقای خویی است در مصباح الاصول. ابتدا این را توضیح می دهیم بعد ببینیم حق در مسأله چیست.**

**ایشان می فرمایند: در این بحث دو جهت باید مورد نظر قرار بگیرد: 1. اینکه آیا امتثال اجمالی کافی است یا خیر مع عدم تمکن المکلف من الامتثال التفصیلی. مثال در توصلیات دو لباس داریم یکی نجس است و می خواهیم نماز بخوانیم. در مورد تعبدیات مثل عدم قدرت تشخیص قبله که امتثال اجمالی این است که چهار طرف نماز بخوانیم.**

**بحث این است که آیا امتثال اجمالی در صورتی که متمکن از امتثال تفصیلی نباشد کافی است یا نه؟ می فرمایند در اینکه احتیاط به حکم عقل و شرع حسن است و إن استلزم التکرار بلا فرق بین التوصلیات و التعبدیات و بلا فرق بین موارد تنجز و عدم تنجز الواقع کما فی اطراف العلم الاجمالی و کما فی الشبهه البدویه الحکمیه. مثل شرب التتن . چون علم نداریم. و الشبهه الموضوعیه مثل جایی که می داند خمر حرام است ولی نمی داند این ظرف خمر است یا آب و بلافرق بین قبل الفحص و بعد الفحص. چون فرض این است که اگر فحص کند هم نمی تواند بدست بیاورد.**

**تا اینجا قابل بحث و نقد نیست. اما از این به بعد قابل بحث است.**

**جهت دوم بحث: آیا امتثال اجمالی در جایی که مکلف متمکن از امتثال تفصیلی هم باشد کافی است یا خیر؟ اینجا تاره کلام ما در توصلیات است تاره در تعبدیات. در توصلیات یک مشکلی داریم و در تعبدیات مشکل بیشتر است.**

**اما در توصلیات: می فرماید باز هم شکی نیست که در مواردی امتثال اجمالی کافی است. من می دانم بده کارم به زید یا به عمر و می توانم تحقیق کنم. ولی می توان به هر دو بدهم. ملحق است به توصلیات، وضعیات. دو تا مایع پاک اینجا هست منتهی یکی مضاف است و یکی آب است و شامه ام خراب است. می توان به دیگری بگویم بیاید با شامه اش تشخیص بدهد. ولی این کار را نمی کنم و لباس نجس را با هر دو می شویم.**

**و کذا العقود و الایقاعات. انکحت را بگوید زوجت را بگوید من موکلی عن موکلی لموکلی وهمه اینها را بگوید بالاخره یکی از اینها درست در می آید.**

**اما مرحوم شیخ در بحث تنجیز در عقد اشکالی را وارد می کند و آن اینکه شما هر کدام از این عبارات نکاح صورت گرفت. هیچکدام را یقین ندارید پس هیچکدام منجز نیست و حال اینکه شرط تحقق عقد منجز بودن است.**

**جواب مرحوم آقای خویی این است که آنیکه تنجیز باید رد آن باشد خود عقد است. یعنی نگوید این کتاب را به تو می فروشم اگر زید از سفر بیاید این معلق می شود. اما اگر خود عقد منجز است و قاطعانه و جازمانه فروخته اما در آن لفظی که می خواهد به عنوان انشاء قرار بدهد نمی داند این لفظ سببیت دارد یا آن لفظ . این منافاتی با منجز بودن عقود ندارد. تردد من در عقد نیست. تردد من این است که آن صیغه ای که می خواهد این نکاح را محقق کند کدام است. جواب ایشان هم جواب درستی است.**

**اما بحث تعبدیات**

**در تعبدیات گاهی واقع منجز نیست. مثل شبهه ی حکمیه ی بدویه ی بعد الفحص. هیچ اشکالی ندارد انسان اینجا احتیاط کند. مثال: نمی دانم دعا عند رؤیه الحلال واجب أم لا و رفتم فحص کردم و به نتیجه ای هم نرسیدم. مشکلی هم نیست و بلکه نشانگر تعبد این شخص است. اما بحث اینجاست که واقع منجز شده باشد مثل موارد علم اجمالی. یا شبهه ی حکمیه بدویه قبل الفحص. اینجا گاهی احتیاط کردن لازمه اش تکرار کردن است و گاهی نه. احتیاط می توان کرد و هیچ تکراری نکنیم. بر هر دو تقدیر گاهی آن تکلیف استقلالی است گاهی ضمنی است مثل سوره در نماز.**

**آنجایی که تکرار لازم نباشد، گاهی اصل عمل واضح است خصوصیاتش معلوم نیست که واجب است یا مستحب مثل اینکه بدانم غسل جمعه ای هست اما نمی دانم واجب است یا مستحب.**

**المسأله الاول: آنجا که احتیاط مستلزم تکرار نیست و تکلیف هم استقلالی است نه ضمنی و اصل مطلب هم معلوم است. بهترین مثالش شک در وجوب و عدم وجوب غسل جمعه است. اینجا با اینکه می تواند فحص کند. در اینجا ظاهرا مانعی از احتیاط نیست و این که این غسل را بجا بیاورد بداعی همان امری که هست چه واجب باشد چه مستحب. تنها مشکله ای که اینجا ممکن است مطرح کند این است که قصد وجه و تمییز در اینجا ممکن نیست. ممکن نیست که به قصد واجب بجا بیاورد یا مستحب و هیچ دلیلی نداریم لفظی یا اجماعی یا ..بر قصد وجه بلکه به برکت اصول لفظیه یا عملیه می توانیم نفی کنیم و حتی مثل مرحوم آخوند می تواند بگوید اگر شارع چیزی بنام قصد وجه می خواست اگر هم به نحو جمله ی امریه نمی تواند بگوید به نحو جمله ی اسمیه بگوید. هیچ چیز نگفته پس لازم نیست.**

**اما مسأله ی دوم همان مسأله ی اولاست با این فرق که تکلیف، استقلالی نیست بلکه ضمنی است. می داند امری داریم به سوره بعد الحمد اما اینکه این امر وجوبی است یا خیر نمی داند. اینجا آیا احتیاط بکند یا خیر؟ باز هم می گوییم اشکال ندارد. اتفاقا اینجا واضحتر از آن صورت قبل است چون آنهایی که در صورت قبل قصد وجه و تمییز را مطرح کرده اند در واجبات استقلالی مطرح کرده اند.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**